

**Flaws in the Short Stay Ritual in Two Sites with Emphasis on Imam Khomeini's Approach  
and Its Comparison with Sunni Schools**

Mohsen Esmaili<sup>1</sup>

Doi:10.22034/matin.2022.282676.1876

Mohammad Qodraty<sup>2</sup>

Research Paper

**Abstract**

The main objective of this paper is to analyze and critically study the viewpoints of Imamiya jurists with emphasis on Imam Khomeini and Sunni jurists' approaches to the flaw in the short stay ritual in the two sites (Arafah and Mash'ar). The data was collected from library sources and analyzed through descriptive-analytical method. The findings of the research indicate that according to the Imamiya jurisprudence, if a purposeful flaw - minor or major - occurs regarding the intent, time, place and quality of the short stay ritual in the two sites, it will lead to invalidation of the short stay ritual as well as the invalidation of the Hajj pilgrimage. But, if the pilgrim has some acceptable excuses regarding some minor parts, it does not undermine the validity of the short stay ritual in the two sites. According to the Sunni jurisprudence, any intentional flaw in the short stay ritual in Arafah will invalidate the short stay ritual and consequently invalidates the Hajj pilgrimage. However, in the short stay ritual in Mash'ar, since it is not a pillar, purposeful or mistaken flaws would not invalidate the short stay ritual and therefore would not invalidate the hajj pilgrimage.

**Keywords:** Flaw, short stay, Arafah, Mash'ar, Imam Khomeini, Sunni Schools.

**COPYRIGHTS**

©2023 by the authors. Published by Research Institute of Imam Khomeini and the Islamic Revolution. This article is an open-access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution 4.0 International (CC BY 4.0) <https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>



1. Associate Professor, Faculty of Law and Political Sciences, University of Tehran, Tehran, Iran. (Corresponding Author) E-mail: esmaeil1344@ut.ac.ir

2. PhD Doctoral student of jurisprudence and fundamentals of Imam Khomeini's law and thought, Imam Khomeini (PBUH) and Islamic Revolution Research Institute, Tehran, Iran. Email: mohamad.ghodraty1373@gmail.com

## خلل در وقفین با رویکردی بر آرای امام خمینی (ره) و تطبیق بر مذاهب اهل سنت

محسن اسماعیلی<sup>۱</sup>

Doi: 10.22034/matin.2022.282676.1876

محمد قدرتی<sup>۲</sup>

### مقاله پژوهشی

**چکیده:** پژوهش حاضر با هدف تحلیل و نقد دیدگاه فقهای امامیه با محوریت آرای امام خمینی و فقهای اهل سنت در خصوص خلل در وقفین (عرفات و مشعر) نگاشته شده و با استفاده از روش توصیفی-تحلیلی و ابزار از نوع کتابخانه‌ای به بررسی خلل و آسیب‌هایی که به اجزاء وقفین وارد می‌شود، پرداخته است. یافته‌های پژوهش بیانگر آن است که در فقه امامیه اگر خلل عمدی به نیت، زمان، مکان و کیفیت وقفین وارد شود، با توجه به اصل اولی، موجب بطلان وقفین و نهایتاً بطلان حج می‌شود، خواه خلل وارده تقیصه باشد، خواه زیاده؛ ولی در صورت معذور بودن در برخی از اجزای خللی به صحت وقفین و حج وارد نمی‌شود. در فقه اهل سنت نیز در وقف عرفات هر گونه خلل عمدی به شرایط وقف، موجب بطلان وقف عرفات و حج می‌شود؛ ولی در وقف مشعر به دلیل رکن نبودن آن، در صورت وارد شدن خلل عمدی یا سهوی موجب بطلان وقفین و حج نمی‌شود.

**کلیدواژه‌ها:** خلل، وقف، عرفات، مشعر، امام خمینی، مذاهب اهل سنت.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

۱. دانشیار، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران، تهران، ایران. (نویسنده مسئول)

E-mail: esmaeili1344@ut.ac.ir

۲. دانشجوی دکتری فقه و مبانی حقوق و اندیشه امام خمینی، پژوهشگاه امام خمینی (س) و انقلاب اسلامی،

E-mail: mohamad.ghoodrati1373@gmail.com

تهران، ایران.

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۲/۷ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۹/۱۱

## مقدمه

اسلام دارای ارکانی است که بر آن‌ها قوام یافته است. یکی از این ارکان حج تمتع است که از بزرگ‌ترین فریضه‌های الهی و دارای قدمتی طولانی است که در آن مسلمانان جهان در مکان و زمان خاصی به انجام مناسک آن مشغول می‌شوند. با توجه به اهمیت و قدمت حج، فقهای متقدم و متأخر امامیه و اهل سنت به بیان مناسک و احکام آن پرداخته‌اند. از ارکان حج، وقوف به عرفات و وقوف به مشعر است. با توجه به اهمیت و رکن بودن وقوفین در حج از دیدگاه امامیه و ضرورت شناخت اخلاص در آن و آرای امام خمینی در این خصوص، نوشتار حاضر با استفاده از روش تحلیلی-توصیفی و با ابزار از نوع کتابخانه‌ای به دنبال تحلیل تطبیقی خلل در وقوفین (عرفات و مشعر) با تأکید بر آرای امام خمینی است.

### ۱. پیشینه پژوهش

با بررسی‌های صورت گرفته تاکنون پژوهشی به‌طور مستقل درباره خلل در وقوفین با رویکرد تطبیقی و تأکید بر آرای امام خمینی نگارش نشده است؛ اما در مقاله روحانی و علیزاده (۱۳۹۶) با عنوان «الخلل فی العُسل با رویکردی بر آرای امام خمینی»، خلل را در عبادیات دیگر بررسی نموده و به آسیب‌ها و خللی که به غسل وارد می‌شود، پرداخته‌اند. صاحبی فرد و خزائی (۱۳۹۸) در مقاله خود با عنوان «واکاوی فقهی تقدیم طواف حج و سعی بر وقوفین» به بررسی حکم جواز تقدیم طواف حج و سعی بین صفا و مروه بر وقوف در سرزمین عرفات و مشعر پرداخته‌اند. در پژوهش مذکور آسیب‌ها و اخلاصی که در وقوفین ممکن است حادث شود از دیدگاه فقه امامیه و اهل سنت مورد بررسی قرار نگرفته است.

### ۲. مفهوم‌شناسی

مفهوم برخی از واژگان کلیدی پژوهش عبارت است از:

#### ۲-۱. وقوف

وقوف در لغت به معنای ایستادن، بازایستادن، آگاه شدن، شک کردن و حاضر بودن به وقت وقوف به عرفات است (دهخدا، ۱۳۷۷، ج ۱۵، ص. ۴۳۶) و در اصطلاح حج به معنای ماندن

در عرفات و مشعرالحرام است. وقوفین به معنای دو وقوف عرفات و مشعر است (فکری، ۱۳۹۳، ص. ۲۷۵).

## ۲-۲. عرفات

عَرَفَات، از ریشه عَرَفَ گرفته شده که مصدر آن عرفان و معرفت است (جوهری، ۱۳۹۹، ج ۴، ص. ۱۴۰۱) و بیانگر شناخت آثار اشیاء همراه با تفکر و تدبر است (زبیدی، ۱۴۰۸، ج ۲۴، ص. ۱۳۳). در نام‌گذاری سرزمین عرفات به این نام دلایل گوناگونی ذکر کرده‌اند:

۱. هنگامی که پیک وحی خداوند جبرئیل مناسک حج را در آنجا به ابراهیم<sup>(ع)</sup> نشان داد، ابراهیم فرمود: «عرفت، عرفت» (شناختم - شناختم) لذا آنجا را عرفات گفتند.

۲. این داستان برای آدم<sup>(ع)</sup> واقع شد.

۳. آدم<sup>(ع)</sup> و حوا در آن سرزمین یکدیگر را پیدا کردند و شناختند.

۴. زوار خانه خدا در آنجا یکدیگر را می‌بینند و می‌شناسند.

۵. این سرزمین محیط بسیار آماده‌ای برای معرفت پروردگار و شناسایی ذات پاک اوست (حموی، ۱۹۹۵، ج ۴، ص. ۱۰۴؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۲، ص. ۶۰).

## ۲-۳. مشعر

مشعر بر وزن مفعول و از ماده شعور است که به معنای محل شعور و معرفت و آگاهی معنوی است و جمع آن مشاعر است که به محل عبادت گفته می‌شود (طریحی، ۱۳۷۵، ج ۳، ص. ۳۴۸) همچنین به آن «مزدلفه» نیز می‌گویند که از «ازدلف» به معنای قرب و نزدیک شدن گرفته شده است و مردم در آنجا به هم نزدیک می‌شوند و «جمع» نیز می‌گویند، به سبب آنکه آدم<sup>(ع)</sup> و حوا در آنجا اجتماع نمودند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۲، ص. ۶۱).

## ۲-۴. خلل

در لغت معانی مختلفی برای خلل از جمله فساد (جوهری، ۱۳۹۹، ج ۴، ص. ۱۶۸۷) و هن، نقص، اضطراب و شکاف بین دو چیز ذکر شده است (زبیدی، ۱۴۰۸، ج ۱۴، ص. ۲۰۶). از دیدگاه امام خمینی این معانی، مصادیق خلل می‌باشند و معانی مختلفی برای خلل محسوب نمی‌شوند و

هرگاه در ماهیت ترکیبی اعم از حقیقی یا اعتباری چیزی ذکر شود، در آن خلل پیش می‌آید. به‌عنوان مثال، اگر ساختمانی را فرض کنیم که فسادى در آن یا در بدنه ساختمان یا از جهت عوارض دیگر وارد شود، دچار خلل شده است (امام خمینی، ۱۳۷۸، ص. ۹).

#### ۱-۴-۲. اقسام خلل

با توجه به دیدگاه امام خمینی در کتاب الخلل فی الصلاة خلل در وقوفین را با توجه به منشأ می‌توان این‌گونه تقسیم نمود:

۱. خلل عمدی که به سه دسته تقسیم می‌شود:

الف) خلل از روی علم و عمد خواه به نقیصه باشد یا به زیاده، موجب بطلان وقوفین و حج است.

ب) خلل از روی علم و عمد همراه با تقیه: خلل به خاطر خوف و اضطراب واقع می‌شود و شخص عمل را برخلاف واقع اتیان می‌کند؛ که بر مبنای رفع ادعائی جمیع آثار در فقره «ما اضطروا الیه» در حدیث رفع موجب بطلان نیست.

ج) خلل از روی علم و عمد همراه با اکراه که بر مبنای رفع ادعائی جمیع آثار در فقره «ما اکرهوا الیه» در حدیث رفع موجب بطلان نیست.

۲. خلل از روی جهل که به دو دسته تقسیم می‌شود:

الف) جهل قصوری: اخلال ناشی از جهل به حکم و موضوع در ارکان و غیر ارکان، اگر به سبب قصور باشد به دلیل رفع ادعائی جمیع آثار در فقره «ما لایعلمون» در حدیث رفع حکم به صحت وقوفین می‌شود.

ب) جهل تقصیری: شخص اگر در اتیان شرایط وقوفین علم اجمالی داشته باشد، امتنان حدیث رفع شامل او نمی‌شود (امام خمینی، ۱۳۷۸، صص. ۶۱-۱۵).

#### ۲-۴-۲. خلل در وقوفین

خلل در وقوفین عبارت است از اخلال به چیزی که وجود یا عدم آن در وقوف عرفات

و مشعر معتبر است. به دلیل اینکه حج ماهیتی اعتباری است،<sup>۱</sup> می‌توان ادعا نمود مانند ساختمانی است که دارای ارکان و اجزاست و اگر خللی از جهت نقیصه در آن اتفاق افتد، طبق قاعده اولیه یعنی اشتغال یقینی برائت یقینی می‌طلبد، حکم به فساد آن می‌کند و در علم به حصول و یا شک در آن و یا بین ارکان و غیر ارکان فرقی نمی‌کند.

اگر دیدگاه امام خمینی در خلل فی الصلاة، در کلیه عبادات تعمیم داده شود، در وقوفین نیز می‌توان گفت از نظر ایشان زیاده موجب بطلان نیست؛ زیرا این زیاده به معنای زیاده در المأمور به بما أنه مأموره نیست که قائل به امتناع آن شویم، بلکه به معنای زیاده در مصادیق ماهیت شرعیه مأموره قطع نظر از امر است (امام خمینی، ۱۳۷۸، ص ۱۰).

به نظر می‌رسد خلل همان‌گونه که در نقیصه حاصل می‌گردد در زیاده نیز حاصل می‌شود، همان‌گونه که زیاده و نقیصه موجب بطلان نماز است؛ زیرا نماز از مهام امور است و شارع آن را مهندسی کرده است و با توجه به دلیل عقلایی نمی‌توان زیاده را موجب عدم بطلان نماز دانست. در وقوفین نیز اگر عمداً زیاده یا نقیصه در یکی از ارکان وقوفین به وجود آمد، خلل در حج به وجود می‌آید؛ زیرا حج پس از نماز و روزه و زکات و خمس جزء مهم‌ترین عبادات و فروع دین است. همان‌گونه که کلینی به طریق معتبر از امام صادق<sup>(ع)</sup> روایت نموده که هر کس از دنیا رود و حجة الاسلام را به‌جا نیاورد، بدون اینکه او را حاجتی ضروری باشد یا آنکه به جهت بیمار شدن از آن بازماند یا آنکه پادشاهی از رفتن آن جلوگیری نماید، چنین کسی در حال مردن به یهودیت یا نصرانیت از دنیا خواهد رفت (کلینی، ۱۴۲۹، ج ۸، ص ۲۲۴). از دیدگاه امام خمینی این روایت در اهمیت حج و وجوب آن کافی است (امام خمینی، ۱۳۸۲، ص ۳). «حج یکی از ارکان دین است و از ضروریات آن به شمار می‌رود. ترك حج با اقرار به وجوب، یکی از گناهان کبیره و با انکار، موجب کفر است» (امام خمینی، ۱۳۸۲، ص ۱).

اهمیت حج و نقش آن در سازندگی و تکامل انسان نیز به‌وضوح از قرآن کریم به

۱. به نظر می‌رسد ماهیت ترکیبی بر دو قسم است: ۱. ماهیت حقیقی: که عناصر این ماهیت بر یکدیگر تأثیر می‌گذارند مانند ترکیب آب که از عناصری که بر هم فعل و انفعال دارند به وجود می‌آید؛ ۲. ماهیت اعتباری: در این نوع ماهیت ترکیبی میان افراد وجود ندارد فقط اجتماع در عناصر وجود دارد.

دست می‌آید: «لِلَّهِ عَلَى النَّاسِ حِجُّ الْبَيْتِ مَنِ اسْتَطَاعَ إِلَيْهِ سَبِيلًا وَمَنْ كَفَرَ فَإِنَّ اللَّهَ غَنِيٌّ عَنِ الْعَالَمِينَ» (آل عمران: ۹۷). در این آیه به کار بردن واژه «کفر» که همانند ایمان دارای مراحل و درجاتی است، برای کسی که حج را ترک می‌نماید بیانگر اهمیت این مسئله است؛ در حقیقت کسی که حج را ترک می‌نماید حق را پوشانده و با آن مخالفت نموده است (منتظری، ۱۳۸۳، ص. ۱۳۳؛ مکارم شیرازی، ۱۴۲۶، ص. ۲۱)؛ بنابراین در وقوفین نیز شارع آن را مهندسی کرده است و با توجه به دلیل عقلایی نمی‌توان زیاده از روی عمد را موجب عدم بطلان حج دانست و آن را از مصادیق مأموربه به حساب آورد.

### ۳. وقوف عرفات

از دیدگاه فقه امامیه در صحت وقوف عرفات رعایت مواردی لازم است که در چهار تقسیم‌بندی، بحث خلل در آن‌ها بررسی خواهد شد:

#### ۳-۱. خلل در نیت

نیت یعنی خطور در ذهن و وجود ذهنی دادن برای عملی که شخص برای خداوند متعال می‌خواهد انجام دهد (موسوی بجنوردی، ۱۳۸۳، ص. ۳۵۷). فقهای امامیه قائلند به اینکه نیت باید مشتمل بر قصد قربت باشد؛ یعنی عمل شخصی مورد قبول واقع می‌شود که فقط برای رضای خدا انجام شود. از دیدگاه امام خمینی در نیت، خلوص لازم است (امام خمینی، ۱۴۲۲، ص. ۹۸) یعنی اگر غیر از قصد خدایی در کار باشد و وقوف را عمداً برای ریا و تظاهر انجام دهد موجب خلل به شرایط وقوف و بطلان حج می‌شود (امام خمینی، ۱۳۸۲، ص. ۲۴۵).

از دیدگاه مالکیه و حنابله قصد وقوف و نیت در وقوف عرفات لازم است و اختلاف دو مذهب در وقوف شخص خواب و بی‌هوش است که از دیدگاه مالکیه صحیح است؛ ولی از دیدگاه حنابله صحیح نیست و به دلیل نداشتن عقل باعث خلل به یکی از شرایط انجام حج می‌شود (بهوتی، بی‌تا، ج ۲، ص. ۴۹۴؛ زحیلی، بی‌تا، ج ۳، ص. ۲۲۳۷؛ ابن قدامه، ۱۳۸۸، ج ۱، ص. ۳۷۲).

حنفیان نیت، علم و عقل را شرط وقوف نمی‌دانند و صرف حضور در عرفات را کافی می‌دانند (سابق، ۱۳۹۷، ج ۱، ص. ۷۱۹؛ جزیری، ۱۴۲۲، ج ۱، ص. ۵۹۷) و هر کسی که در عرفه

وقوف کند هر چند به صورت عبوری، خوابیده یا بی‌هوش باشد و نداند که آنجا عرفه است، آن وقوف را برای او کافی دانسته و خللی به آن وارد نمی‌دانند (سرخسی، ۱۴۱۴، ج ۴، ص ۵۶؛ زحیلی، بی‌تا، ج ۳، ص ۲۲۳۷).

شافعیان نیز علم و قصد را شرط نمی‌دانند و از دیدگاه آنان آنچه در عرفات واجب است وقوف و حضور است با این شرط که اهلیت عبادت داشته باشد، یعنی شخص نباید دیوانه و مست و بی‌هوش باشد (زحیلی، بی‌تا، ج ۳، ص ۲۲۳۷؛ بجیرمی، ۱۳۶۹، ج ۲، ص ۱۳۱؛ جزیری، ۱۴۲۴، ج ۱، ص ۵۹۷؛ غزالی، ۱۴۱۷، ج ۲، ص ۶۵۶؛ سابق، ۱۳۹۷، ج ۱، ص ۷۲۰).

### ۲-۳. خلل در محل وقوف

شخص باید مطمئن باشد محلی را که وقوف کرده سرزمین عرفات است. حدود عرفات چنانچه مورد اطمینان یا تأیید اهل محل باشد معتبر است (امام خمینی، ۱۳۸۲، ص ۲۳۷)؛ بنابراین اگر شخص نسبت به محل وقوف علم و اطمینان داشت و از اهالی محل نیز پرسیده و تأیید نموده‌اند که مکان وقوف صحیح بوده، حج او صحیح است و خللی در وقوف وارد نشده است. ولی اگر در اثر فراموشی یا جهل به محل، وقوف را درک نکرد باید وقوف اضطراری را درک کند؛ ولی اگر عمداً وقوف اضطراری را درک نکرد، موجب خلل عمدی و بطلان حج می‌شود.

از دیدگاه مذاهب اربعه حجاج در هر جای عرفه می‌توانند وقوف کنند مگر در «بطن عرنه» که نباید وقوف نمایند و وقوف در آن موجب خلل در محل موقوف می‌شود؛ زیرا پیامبر<sup>(ص)</sup> از آن نهی کرده و فرموده است: «کل عرفة موقوف و ارفعوا عن بطن عرنه»؛ «کل عرفة محل وقوف است و از «بطن عرنه» بپرهیزید» و همچنین وقوف قبل از عرفه مثلاً در «نمره» نیز کفایت نمی‌کند و موجب خلل و عدم درک موقوف می‌شود (نوی، بی‌تا، ج ۸، ص ۱۰۶؛ زحیلی، بی‌تا، ج ۳، ص ۲۲۳۴). از دیدگاه مالکیه وقوف در بطن عرنه کفایت می‌کند و موجب خلل و بطلان حج نمی‌شود؛ ولی شخص باید کفاره (ابن عبدالبر، ۱۴۰۰، ج ۱، ص ۳۷۲).



### ۳-۳. خلل در وقت وقوف

در مبدأ وقوف نزد امامیه دو دیدگاه وجود دارد. دیدگاه اول: مبدأ وقوف زوال شمس است به این معنا که ابتدای شروع به زوال، ابتدای وقوف عرفات است (صدر، ۱۴۳۴، ج ۱۵، ص. ۴۳۹). دیدگاه دوم: وجوب وقوف بعد از زوال خورشید (به عنوان مثال، ۵ یا ۱۰ دقیقه بعد از زوال) است (نراقی، ۱۴۱۵، ج ۱۲، ص. ۲۲۰).

هر يك از وقوف در عرفات و مشعر دارای دو قسم است:

۱. وقوف اختیاری عرفات: از حدود ظهر تا غروب آفتاب است، که در حالت اختیار و التفات و تمکن وظیفه حاجی ادراک وقوف در آن وقت است.

۲. وقوف اضطراری عرفات: مقداری از غروب آفتاب تا طلوع فجر شب دهم ذی الحجه است. اگر وقوف به عرفات را به خاطر عذری مانند فراموشی و ضیق وقت از ظهر تا غروب ترك نماید، برای شخص کافی است که مقداری - هر چند اندک - از شب عید را ادراک نماید و این وقت (شب عید) وقت اضطراری عرفات است (امام خمینی، ۱۳۸۵، ج ۱، ص. ۵۰۲) و اگر در اثر عجز یا نسیان و عوامل دیگر که عندالعرف و الشرع عذر محسوب می شوند نتواند وقت اختیاری را درک کند، می تواند به این وقت اضطراری اکتفا کند (ر.ک. به: امام خمینی، ۱۳۸۲، ص. ۲۳۷).

بنابراین لازم نیست شخص از ابتدای ظهر نهم در عرفات باشد، بلکه تأخیر آن تا نزدیک غروب اشکال ندارد و خللی به وقوف وارد نمی سازد؛ و شخص می تواند کمی قبل از مغرب خود را به عرفات برساند و نیت وقوف نماید و حج او صحیح است.

از دیدگاه مذاهب مالکیه، شافعیه و حنفیه وقت وقوف از زوال خورشید روز نهم ذی الحجه تا طلوع فجر روز بعد است (غزالی، ۱۴۱۷، ج ۲، ص. ۶۵۶؛ کاسانی، ۱۴۰۶، ج ۲، ص. ۱۲۵؛ نووی، ۱۴۱۲، ج ۳، ص. ۹۷)؛ ولی از دیدگاه حنابله زمان وقوف عرفه از طلوع فجر روز عرفه تا طلوع فجر روز عید است (ابن قدامه، ۱۳۸۸، ج ۳، ص. ۳۷۲). از دیدگاه آنان اگر شخص سهواً وقوف عرفه را ترک کند، موجب خلل سهوی است؛ ولی با استناد به روایت پیامبر (ص) که فرموده اند: «الْحَجُّ عَرَفَةٌ» موجب بطلان حج می شود و شخص باید حج را اعاده کند و بقیه اعمال حج او تبدیل به عمره می شود (ابن رشد، ۱۴۲۵، ج ۲، ص. ۱۱۲).

#### ۳-۴. خَلَل در کیفیت وقوف

وقوف در عرفات یعنی «حضور» به هر حالتی که باشد (شیری زنجانی، ۱۴۲۷، ص. ۱۹۰) وقوف رکنی عرفات مسمای وقوف است. به این معنا که بگویند مقداری در عرفات بوده است، حتی يك يا دو دقیقه؛ بنابراین اگر همین مقدار را بعد از ظهر روز نهم در عرفات باشد، حج او صحیح است (امام خمینی، ۱۳۸۲، ص. ۲۳۶؛ فاضل لنکرانی، ۱۴۲۳، ص. ۳۳۱). از نظر برخی از فقها حضور در کل زمان عرفه احوط است (خویی، ۱۴۱۱، ص. ۱۵۵).

از دیدگاه فقهای امامیه، شخص خواه سواره باشد یا پیاده، نشسته باشد یا ایستاده یا در حال راه رفتن، خواب باشد یا بیدار، وقوف شخص صحیح است؛ ولی اگر در تمام مدت وقوف خواب یا بی‌هوش باشد وقوف او باطل است (امام خمینی، ۱۳۸۲، ص. ۲۳۵؛ خویی، ۱۴۱۱، ص. ۱۵۴؛ فاضل لنکرانی، ۱۴۲۳، ص. ۳۳۱)؛ ولی اگر در اول وقت نیت کرده باشد و بعد از آن به خواب رود یا بی‌هوش شود مانعی ندارد (مرتضوی لنگرودی، ۱۴۲۳، ص. ۲۳۷) و خللی به وقوف او وارد نشده است.

برای وقوف در عرفات، مانند سایر اعمال حج - به جز طواف و نماز - وضو داشتن و پاک بودن از حیض و نفاس و جنابت لازم نیست (امام خمینی، ۱۳۸۲، ص. ۲۴۰)؛ بنابراین اگر بدن یا لباس محرم نجس شود، باید بدون تأخیر تطهیر کند؛ ولی نجس ماندن آن‌ها وقوف را باطل نمی‌کند.

به نظر می‌رسد دلیل بر این سخن پاسخ امام کاظم<sup>(ع)</sup> به سؤال علی بن جعفر است که آیا مرد می‌تواند بدون وضو در عرفات وقوف نماید؟ ایشان فرموده‌اند: شایسته نیست مگر وضو داشته باشد (حر عاملی، ۱۴۰۹، ج ۱۳، ص. ۵۵۵). «لایصلح» در متن روایت ظهور در وجوب ندارد و حمل بر مرجوحیت می‌شود.

از دیدگاه مذاهب، طهارت شرط وقوف نیست (ابن قدامه، ۱۳۸۸، ج ۳، ص. ۳۷۲؛ زحیلی، بی‌تا، ج ۳، ص. ۲۲۳۵) و وقوف شخص جنب و حائض صحیح است (ابن عبدالبر، ۱۴۲۱، ج ۴، ص. ۲۷۸؛ سرخسی، ۱۴۱۴، ج ۴، ص. ۵۶) و طهارت از حدثین و نجاست بدن و لباس مستحب است (بهوتی، بی‌تا، ج ۲، ص. ۴۹۴).

علمای مذاهب اتفاق نظر دارند که وقوف در بخشی از زمین عرفه کفایت می‌کند حتی اگر لحظه‌ای کوتاه باشد. مقدار مورد نظر از وقوف، همان حضور او در عرفه در لحظه‌ای از

این زمان است که نسبت به بودن در آنجا آگاه یا ناآگاه، خوابیده یا بیدار، بی‌هوش یا مست یا مجنون باشد (زحیلی، بی‌تا، ج ۳، ص ۲۲۴؛ کاسانی، ۱۴۰۶، ج ۲، ص ۱۲۷) مالکیه، مکث بعد از غروب خورشید در وقوف، یعنی استقرار و ماندن به قدر فاصله بین دو سجده به صورت ایستاده، نشسته یا سواره را واجب می‌دانند (دسوقی، بی‌تا، ج ۲، ص ۲۷) و اگر سواره باشد به خاطر مباحات و تعظیم حج، افضل می‌دانند (ابن عبدالبر، ۱۴۲۱، ج ۴، ص ۲۷۸).

### ۵-۳. ترک وقوف عرفات

اگر شخص از روی عمد و علم، وقوف رکنی را ترک کند؛ یعنی در هیچ جزء از ظهر تا مغرب در عرفات نباشد، موجب خلل عمدی است و حجتش باطل است و از دیدگاه امام برای او وقوف در شب عید که وقوف اضطراری است، کفایت نمی‌کند (امام خمینی، ۱۳۸۲، ص ۲۳۶)؛ اما در مورد ترک وقوف عرفات قبل از غروب آفتاب سه دیدگاه را می‌توان بیان کرد:

۱. شخصی که قبل از غروب آفتاب عرفه را ترک کند بر او کفاره لازم است و به حج او خللی وارد نشده و صحیح است (جزیزی، ۱۴۲۴، ج ۱، ص ۵۹۸) که حنفیه (زیلعی، ۱۳۱۳، ج ۲، ص ۲۷؛ سرخسی، ۱۴۱۴، ج ۴، ص ۵۵)، حنابله (ابن تیمیه، ۱۴۰۹، ج ۲، ص ۶۰۴؛ بهوتی، بی‌تا، ج ۲، ص ۴۹۴) و امامیه بر این دیدگاه می‌باشند (خویی، ۱۴۱۱، ص ۱۵۴)؛ و به روایت ضریس کناسی از امام باقر<sup>(ع)</sup> که قربانی و هجده روز روزه را بر چنین شخصی واجب دانسته و فرموده‌اند: «کسی که قبل از مغرب از عرفات به مشعر حرکت کرده است، در روز دهم باید شتری را به‌عنوان کفاره قربانی کند و اگر قدرت بر کفاره نداشت باید هجده روز روزه بگیرد چه در مکه باشد یا در شهر و وطنش» (حر عاملی، ۱۴۰۹، ج ۱، ص ۵۳۹) و نیز به روایتی که در خصوص ترک مناسک از ابن عباس نقل شده است: «کسی که چیزی از مناسک را فراموش کند یا ترک کند پس باید قربانی دهد» استناد نموده‌اند (مالک بن انس، ۱۴۱۸، ج ۱، ص ۵۳۹).

۲. وقوف عرفه تا غروب آفتاب مستحب است و در صورت ترک، خللی به وقوف او وارد نشده است و مستحب است که در صورت ترک فدیة دهد که شافعیه این دیدگاه را دارند (شربینی، ۱۴۱۵، ج ۲، ص ۲۶۳) و به روایتی که عروة بن مضرس از پیامبر<sup>(ص)</sup> نقل کرده

است: «من أدركَ معنا هذه الصلاةَ و أتى عرفاتَ قبل ذلكَ ليلاً أو نهاراً فقد تمَّ حجُّه و قضى تَفْتَهُ» استدلال می‌کنند (سرخسی، ۱۴۱۴، ج ۴، ص ۵۷) از دیدگاه حنابله در منطوق روایت مذکور اشکالی نیست؛ ولی در ارادهٔ عموم از مفهوم آن اشکال وجود دارد؛ بنابراین استناد به آن را معتبر نمی‌دانند (ابن تیمیه، ۱۴۰۹، ج ۲، ص ۶۱۹).

۳. در صورت ترک عرفه قبل از غروب آفتاب به وقوف او خلل وارد شده و حج او صحیح نیست و باید دوباره به جا بیاید که مالکیه بر این دیدگاه می‌باشند (دسوقی، بی تا، ج ۲، ص ۴۵؛ ابن عبدالبر، ۱۴۲۱، ج ۴، ص ۲۷۸) و به روایت مالک بن انس «من لم يقف بعرفة من ليلة المزدلفة فقد فاته الحج» استدلال می‌کنند (۱۴۱۸، ج ۱، ص ۳۰۳).

#### ۴. وقوف مشعر

از دیدگاه فقه امامیه در صحت وقوف مشعر رعایت مواردی لازم است که در ذیل چهار تقسیم‌بندی بحث خلل در آن‌ها بررسی خواهد شد:

##### ۴-۱. خلل در نیت

فقه امامیه و مذاهب<sup>۱</sup>: در این وقوف نیز چون عبادت خداوند است، شخص باید با نیت خالص از ریا و به دور از خودنمایی وقوف کند و الا حج او در صورت ریا کردن با عمد و علم، باطل خواهد شد (امام خمینی، ۱۳۸۲، ص ۲۴۵)؛ ولی با توجه به اینکه فقهای مذاهب این وقوف را رکن نمی‌دانند، اگر شخص نیت خالص نداشته باشد موجب خلل به حج و بطلان آن نمی‌شود.

##### ۴-۲. خلل در محل مشعر

شخص باید مطمئن باشد محلی را که وقوف کرده حدود<sup>۲</sup> مشعر است. حدود مشعر همانند عرفات چنانچه مورد اطمینان یا تأیید اهل محل باشد معتبر است (امام خمینی، ۱۳۹۲، ج ۵، ص ۱۳۹۲).

۱. با توجه به اینکه بحث آن در وقوف عرفات گذشت از تکرار آن خودداری می‌شود.

۲. حدود مشعر از مازمین تا حیاض و تا وادی محسر است.

۱۴۸-۱۴۹)؛ بنابراین اگر شخص در اثر فراموشی یا جهل به محل، وقوف را درک نکرد باید وقوف اضطراری را درک کند و اگر عمداً محل وقوف اضطراری را درک نکرد، خلل به حج او وارد شده است. اگر حج گزار عازم مشعر بود و از افرادی که آنجا بودند سؤال نمود و اطمینان پیدا کرد که مشعر است و نیت بیتوته و قصد وقوف کرد و پس از وقت اضطراری مشعر معلوم شد مشعر نبوده است، بنا بر نظر امام خمینی و اکثر فقها باید احتیاطاً این حج را تمام کند و بعد از آن، اعمال عمره مفرده انجام دهد و در صورت استقرار حج یا بقای استطاعت، سال بعد حج را اعاده کند (امام خمینی، ۱۳۸۲، ص. ۲۵۰).

به نظر می‌رسد از آنجایی که حج گزار اطمینان حاصل کرده و وقوف در غیر محل از روی عمد نبوده است و چنین شخص دارای عذر است، خللی وارد نشده است و حج او صحیح است و نیازی به اعاده حج و یا تمام کردن حج نیست و با استناد به دیدگاه امام خمینی در فقرات «مالایعلمون و خطا» حدیث رفع که ادعائاً جمیع آثار برداشته شده است، وقوف او صحیح است (ر.ک. به: امام خمینی، ۱۳۷۸، ص. ۱۷).

از دیدگاه مذاهب کل مزدلفه (مابین منی و عرفه) به غیر از بطن محسر (وادی بین منی و مزدلفه) محل وقوف است؛ بنابراین وقوف در هر بخشی از مزدلفه به جز وادی محسر، صحیح است. نزول و فرود آمدن در محسر از نظر حنفیه کراهت دارد؛ ولی اگر در آنجا وقوف کند، برای او کفایت می‌کند و موجب خلل به محل وقوف نمی‌شود. با استناد به این قول پیامبر (ص) صحیح است که می‌فرماید: «عرفات کلها موقف، إلا بطن عُرنة و مزدلفة کلها موقف إلا وادی محسر» کل عرفات محل وقوف است، به جز بطن عرنه و کل مزدلفه محل وقوف است به جز وادی محسر (کاسانی، ۱۴۰۶، ج ۲، ص. ۱۳۶؛ زحیلی، بی تا، ج ۳، ص. ۲۲۴۷).

### ۳-۴. خلل در وقت وقوف

از دیدگاه امام خمینی «واجب است از طلوع صبح تا کمی قبل از طلوع آفتاب [حجاج] در مشعر بمانند، لکن تمام آن رکن نیست بلکه رکن، وقوف کمی از بین الطلوعین است، اگرچه به قدر یک دقیقه باشد؛ پس اگر کسی وقوف بین الطلوعین را یکسره ترك کند... حج او باطل خواهد شد» (۱۳۸۲، ص. ۲۴۶).

وقوف مشعر مانند وقوف عرفات دارای دو قسم است:

۱. وقوف اختیاری مشعر: از طلوع فجر صادق روز عید قربان، یعنی اول اذان صبح تا طلوع شمس.
  ۲. وقوف اضطراری مشعر: از آغاز طلوع آفتاب تا اول ظهر شرعی روز دهم است (امام خمینی، ۱۳۸۲، ص. ۲۴۷؛ مکارم شیرازی، ۱۴۲۶، ص. ۲۸۷)؛ بنابراین اگر شخص از روی اختیار و عمد وقت وقوف را ترک کند و خارج از اوقات بخواهد وقوف نماید موجب خلل به وقوف او می‌شود.
- فقه‌های اهل سنت دو دیدگاه دارند:

۱. دیدگاه حنفیه: وقوف مابین طلوع سپیده‌دم از روز نحر و طلوع خورشید است؛ زیرا پیامبر<sup>(ص)</sup> در حدیث جابر<sup>۱</sup> قبل از طلوع خورشید از آنجا رفته است؛ بنابراین هر کس در آنجا قبل از طلوع خورشید یا بعد از طلوع خورشید وقوف کند، موجب خلل به وقت وقوف می‌شود و این وقوف برای شخص کفایت نمی‌کند و قدر واجب از آن یک لحظه و هر چند کم و اندک باشد (کاسانی، ۱۴۰۶، ج ۲، ص. ۱۳۶؛ زحیلی، بی‌تا، ج ۳، ص. ۲۲۴۸).

۲. دیدگاه اکثریت: زمان وقوف همان شب است. از دیدگاه مالکیه زمان وقوف در هر بخشی از شب به اندازه بار سفر انداختن و نماز مغرب و عشاء و خوردن و آشامیدن چیزی است (ابن رشد، ۱۴۲۵، ج ۲، ص. ۱۱۵)؛ و از دیدگاه شافعیه وقت وقوف در مزدلفه بعد از نیمه‌شب است، پس هر کس در نیمه دوم شب در آنجا نباشد، موجب خلل به وقت وقوف است؛ ولی باعث خلل و بطلان حج نیست، بلکه برای جبران آن باید قربانی کند (بجیرمی، ۱۳۶۹، ج ۲، ص. ۱۳۱). از دیدگاه حنابله میت و بیتوته در مزدلفه تا طلوع سپیده‌دم، واجب است؛ بنابراین اگر نماز صبح را در اول وقتش خواند، در مشعر الحرام وقوف کند و اگر بتواند از آن بالا برود، در غیر این صورت در کنار آن وقوف کند و ذکر خدا به جای آورد و دعا کند، بنا به این آیه شریفه:

---

۱. حدیث جابر: «أن رسول الله صلى الله عليه وسلم أتى المزدلفة فصلى بها المغرب والعشاء بأذان واحد و أقامتین ولم یسبح بینهما شیئاً، ثم اضطجع رسول الله صلى الله عليه وسلم حتى طلع الفجر و صلى الفجر حين تبین له الصبح بأذان و إقامة، ثم ركب القصوى حتى أتى المشعر الحرام فاستقبل القبلة فدعا و كبره و هلله و وحده، فلم یزل واقفاً حتى أسفر جداً فدفع قبل أن تطلع الشمس».

«فَإِذَا أَفْضُتُمْ مِّنْ عَرَاقَاتٍ فَادْكُرُوا اللَّهَ عِنْدَ الْمَشْعَرِ الْحَرَامِ» و بنا به حدیث جابر که (پیامبر<sup>(ص)</sup>) به مشعرالحرام آمد و از آن بالا رفت و به درگاه خدا دعا کرد و لاله‌الاله و تکبیر خدا را گفت، هر کس در مزدلفه بیتوته کند، رفتن قبل از نیمه‌شب برای او جایز نیست، پس اگر بعد از نیمه‌شب برود، خللی به حج او وارد نشده است و کفاره نیز ندارد (این قدامه، ۱۳۸۸، ج ۳، ص ۳۷۷؛ زحیلی، بی تا، ج ۳، ص ۲۲۴۸).

#### ۴-۴. خلل در کیفیت وقوف

مشهور فقهای امامیه مبیت در شب عید را واجب نمی‌دانند و آن را احوط می‌دانند (صدر، ۱۴۳۴، ج ۱۵، ص ۴۳۹) و برخی نیز با استناد به روایت صحیحۃ معاویه بن عمار که از امام صادق<sup>(ع)</sup> نقل کرده است: «در شب مشعر از حیاض که آخر مشعرالحرام است، تجاوز نکن» (حر عاملی، ۱۴۰۹، ج ۱۴، ص ۱۸) و همچنین روایت عبدالحمید بن ابی الدیلم که از امام صادق<sup>(ع)</sup> درباره نام‌گذاری ابطح نقل کرده است که فرموده‌اند: «حضرت آدم مأمور شد که در زمین مشعر بخوابد بر پهلو تا صبح طلوع شود و حضرت آدم در آنجا تکیه نمود تا صبح طلوع شود» (حر عاملی، ۱۴۰۹، ج ۱۴، ص ۱۱) واجب می‌دانند اشکالات روایت مورد استناد دسته دوم آن است که صحیحۃ معاویه بر وجوب مبیت دلالت ندارد و اصل عدم تجاوز حیاض نیز معلوم نیست حرام باشد و ممکن است از سیاق روایت استفاده استحباب این مورد برای ضروره<sup>۱</sup> شود نه وجوب آن برای همه؛ و روایت دوم نیز علاوه بر ضعف سند آن به خاطر عبدالحمید بن ابی دیلم و محمد بن سنان که ثقه نیستند، دلالت آن نیز ضعیف است؛ زیرا امر کردن به ماندن تا طلوع فجر صبح با مقداری مکث تحقق پیدا می‌کند و نیازی به مبیت نیست (خویی، ۱۴۱۸، ج ۲۹، ص ۲۰۲).

از دیدگاه امام خمینی احتیاط واجب آن است که حجاج شب دهم را تا طلوع صبح در مشعرالحرام به سر برند و هنگام طلوع صبح تا طلوع آفتاب نیت وقوف به مشعرالحرام کنند. اقوی جواز کوچ کردن، بلکه استحباب آن است کمی قبل از طلوع آفتاب، به نحوی که قبل از طلوع آفتاب از وادی «محسّر» تجاوز نکنند و اگر تجاوز کرد گناهکار است؛ ولی خللی

۱. کسی است که اولین بار به حج می‌رود.

به حج او وارد نشده است و کفاره‌ای بر او نیست؛ و احتیاط آن است که وقتی حرکت کند که قبل از طلوع آفتاب وارد وادی محسر نشود (ر.ک. به: امام خمینی، ۱۳۸۵، ج ۱، ص ۵۰۲).  
مبیت در مزدلفه از نظر حنابله واجب است (بهوتی، بی‌تا، ج ۲، ص ۴۹۷) و از نظر حنفیه و مالکیه جزء سنت است (کاسانی، ۱۴۰۶، ج ۲، ص ۱۲۶؛ ابن رشد، ۱۴۲۵، ج ۲، ص ۱۱۵) دو دیدگاه در فقهای شافعیه وجود دارد: قائلین به وجوب به روایتی منقول از پیامبر<sup>(ص)</sup> که فرمودند: «هرکسی که مبیت در شب مزدلفه از او فوت شود پس قطعاً حج از او فوت شده است» استدلال می‌کنند و قائلین به استحباب نیز به روایت: «حج روز عرفه است، هرکسی که قبل از صبح در شب مزدلفه بیتوته نکرد چیزی بر او نیست» استدلال می‌کنند. از نظر قائلین به وجوب مبیت، شخص در صورت ترک عمدی، باید قربانی دهد؛ ولی خللی به حج او وارد نمی‌شود (نووی، بی‌تا، ج ۸، ص ۱۳۶؛ شربینی، ۱۴۱۵، ج ۲، ص ۲۶۴؛ زحیلی، بی‌تا، ج ۳، ص ۲۲۴۶؛ ابن قدامه، ۱۳۸۸، ج ۳، ص ۳۷۷).

#### ۵-۴. ترک وقوف مشعر

از نظر اجماع مذاهب وقوف در مزدلفه واجب است نه رکن. پس هر کس که آن را ترک کند، خللی به حج او وارد نمی‌شود و برای جبران آن باید قربانی کند (زحیلی، بی‌تا، ج ۳، ص ۲۲۴۶؛ ابن قدامه، ۱۳۸۸، ج ۳، ص ۳۷۷). اگر ترک وقوف مزدلفه به سبب عذری باشد، نیاز به قربانی نیست به خاطر آنچه از پیامبر<sup>(ص)</sup> نقل شده است: «قَدِمَ صَعْفَةَ أَهْلِهِ، وَلَمْ يَأْمُرْهُمْ بِالْكَفَّارَةِ»؛ ولی اگر عمدی باشد باید قربانی کند (کاسانی، ۱۴۰۶، ج ۲، ص ۱۳۶).

با توجه به دیدگاه فقهای امامیه، اگر ضعفا مانند زن‌ها، اطفال، پیرمردان و برای کسانی که عذری دارند مانند خوف و بیماری، در شب عید کوچ نمایند خللی به حج آن‌ها وارد نشده است و حج ایشان صحیح است (امام خمینی، ۱۳۸۵، ج ۱، ص ۵۰۳؛ خوئی، ۱۴۱۱، ص ۱۵۹)؛ بنابراین با توجه به دیدگاه امام خمینی، عوامل خدماتی و کسانی که ضعفا را کوچ می‌دهند و مراقبت و پرستاری می‌کنند، جایز است که در شب عید بعد از آنکه مقداری وقوف کردند، کوچ نمایند (امام خمینی، ۱۳۸۵، ج ۱، ص ۵۰۳).

دلیل نگارندگان علاوه بر عرف و دلیل عقلایی، روایات است از جمله، روایتی که ابی بصیر از امام صادق<sup>(ع)</sup> نقل کرده است که فرمودند: «پیامبر اکرم<sup>(ص)</sup> به زنان و افراد ضعیف



اجازه داده‌اند که شبانه در مشعر حرکت کنند و شبانه در رمی جمرات حضور یابند» (حر عاملی، ۱۴۰۹، ج ۱۴، ص ۳۰). مفاد این روایت صحیح، این است که شخص ضعیف می‌تواند در شب عید قربان و بین الطلوعین در مشعر نخواست و به منی برود.

کسی که بدون عذر و عمداً پیش از طلوع فجر از مشعر بیرون رود و تا طلوع آفتاب برنگردد، چنانچه وقوف در عرفات از او فوت نشده و شب عید تا طلوع فجر در مشعر وقوف کرده باشد، حجش بنا بر مشهور فقها صحیح است و خللی وارد نشده است و با توجه به فتوای مشهور فقها بر او يك گوسفند واجب است؛ ولی از نظر امام خمینی احتیاط مستحب آن است که در سال آینده حج به‌جا آورد (امام خمینی، ۱۳۸۵، ج ۱، ص ۵۰۴).

به نظر می‌رسد با استناد به روایت صحیح علی بن رثاب از امام صادق (ع) که فرمود: «کسی که همراه با مردم از عرفات افاضه کرده، ولی در مشعر با ایشان درنگ ننموده، از روی عمد یا از سر بیاعتنایی راه منی را در پیش گرفته است، اشتری فربه برای قربانی بر ذمه دارد» (شیخ صدوق، ۱۴۱۳، ج ۲، ص ۴۶۹) به نظر می‌رسد روایت را بر شخص مکث کننده ولو به دقایقی می‌توان حمل کرد که متضمن وجوب کفاره بر شخص متعمد بر ترك است؛ بنابراین حج چنین شخصی صحیح بوده و خلل عمدی وارد نشده است که نیاز به اعاده داشته باشد و اعاده حج با توجه به هزینه و سختی حضور موجب حرج و مشقت بر شخص می‌شود.

از دیدگاه امام خمینی «کسی که به خاطر عذری به وقوف بین الطلوعین و وقوف شب عید نرسد، ولی به وقوف عرفات رسیده باشد اگر چنانچه به مقداری از طلوع فجر تا ظهر روز عید برسد و در مشعر ولو مختصری وقوف نماید حجش صحیح است» و خللی وارد نشده است (۱۳۸۵، ج ۱، ص ۵۰۳).

به نظر می‌رسد بر صحت حج چنین شخصی می‌توان به روایت موثقه‌ای که یونس بن یعقوب از امام صادق (ع) نقل کرده است، استناد نمود: «به آن امام معروض داشتم که مردی از عرفات افاضه کرده و از مشعر گذشته است؛ ولی در آنجا وقوف نکرده تا به منی رسیده و جمره را رمی نموده و حکم وقوف به مشعر را ندانسته تا روز برآمده است. امام فرمود: به مشعر بازگردد و در آنجا وقوف کند و پس از آن جمره را رمی نماید» (شیخ صدوق، ۱۴۱۳، ج ۲، ص ۴۶۹).

## ۵. صور خلل در اوقات وقوفین

با توجه به اینکه وقوف عرفات و مشعر یا یکی از آن دو بر برخی از افراد فوت می‌شود و وقوف در عرفات و مشعر دارای وقوف اختیاری و اضطراری است، حالت‌های مختلفی برای ترك وقوف، متصور است که در برخی از صور حج صحیح و در برخی دیگر از صور حج موجب خلل و بطلان حج ولو بنا بر احتیاط، می‌شود:

الف) اگر شخصی هر دو وقوف اختیاری را ادراک کند، حج او صحیح است و اگر یکی از دو وقوف اختیاری را درک کند و دیگری را عمدتاً ترك کند و در این حالت نیز وقوف اضطراری را درک نکند یا هیچ کدام از وقوفین اختیاری و اضطراری را درک نکند، موجب خلل عمدی است و حج او باطل می‌شود. از دیدگاه امام خمینی لازم است با همان احرام با نیت عدول بنا بر احتیاط واجب به عمره مفرده عدول نماید و آن را به‌جا آورد و در صورتی که حج بر عهده او مستقر بوده یا استطاعتش تا سال بعد باقی بماند، حج را اعاده نماید. در این حالت استثنائاتی نیز وجود دارد که اگر شخص در شب عید در مزدلفه وقوف کند و قبل از طلوع فجر به خاطر جهل به حکم افاضه کند و نتواند رجوع کند، حج او صحیح است و لازم است یک گوسفند کفاره دهد و اگر نرسیدن به وقوفین بدون تقصیر باشد، حج بر او واجب نیست، مگر اینکه در آینده شرایط استطاعت برایش پیدا شود؛ و اگر از روی تقصیر باشد حج بر او مستقر می‌شود و واجب است سال آینده به‌جا آورد؛ اگرچه شرایط استطاعت آن را نداشته باشد.

ب) اگر کسی یکی از دو وقوف اختیاری را درک کند و دیگری بر حسب ضرورت فوت شود و ادراک نگردد، خللی رخ نمی‌دهد و حج او صحیح است؛ ولی اگر از روی عمد باشد موجب خلل عمدی و بطلان حج می‌شود (ر.ک. به: امام خمینی، ۱۳۸۵، ج ۱، ص. ۵۰۴؛ خویی، ۱۴۱۱، صص. ۱۶۲-۱۶۱).

ج) اگر کسی تنها دو وقوف اضطراری را ادراک کند، حج او فوت نشده و اگر تنها یکی از دو وقوف اضطراری را درک کند و دیگری از او فوت شود، عمدتاً یا به هر دلیل دیگر حج او باطل می‌شود (ر.ک. به: امام خمینی، ۱۳۸۵، ج ۱، ص. ۵۰۲؛ صدر، ۱۴۳۴، ج ۱۵، ص. ۴۴۱؛ بهجت، ۱۴۲۴، ص. ۱۶۰).

## ۶. خلل در تقیه و قوفین

از مباحث مبتلابه شیعیان در حج ثبوت هلال ذی الحججه و اختلاف با اهل سنت است. با توجه به اینکه حجاج با دستور امیرالحاج از جانب حاکمان سعودی و قوفین عرفات و مشعر را انجام می دهند، این پرسش پیش می آید که در صورت ثبوت و حکم به هلال ماه ذی الحججه به وسیله قاضی اهل سنت و عدم ثبوت نزد شیعیان، وظیفه حجاج در قوفین چیست؟ آیا موجب خلل در وقوفینی که حجاج انجام می دهند، می شود یا صحیح و مجزی خواهد بود؟

از دیدگاه امام خمینی روایت منقول از امام صادق<sup>(ع)</sup>: «التقیة فی کل شیء یضطر الیه ابن آدم» ظهور در اجزاء عمل تقیه ای دارد و دلالتی بر ثبوت تعبدی موضوع و لزوم ترتب آثار واقع، بر آن را ندارد و در عبادات دیگر مانند روزه، ایشان بیان می کنند که اطلاق ادله تقیه، مقتضی اجزاست، حتی در صورتی که علم به خلاف آن باشد (امام خمینی، ۱۴۲۰، ص. ۶۰)؛ بنابراین با توجه به مجزی بودن، تبعیت از حکم مخالف موجب خلل به اتیان و قوفین مطابق با مأموریه نمی شود و دلیل این دیدگاه به تقیه اضطراری یا مداراتی در بین حجاج برمی گردد.<sup>۱</sup> از دیدگاه ایشان:

اگر اول ماه ذی الحججه نزد قاضی اهل تسنن ثابت شود و به آن حکم نماید و نزد شیعیان ثابت نشود پس اگر بدون تقیه و خوفی عمل بر طبق مذهب حق ممکن باشد باید عمل کرد، وگرنه واجب است از آن‌ها تبعیت شود؛ و اگر مخالفت با واقع، آشکار نشود حج صحیح است، بلکه اگر علم به مخالفت با واقع (هم) باشد بعید نیست که صحیح باشد و مخالفت با آن‌ها جایز نیست، بلکه در صحت حج کسی که با تقیه مخالفت کرده، اشکال است؛ و از آنجایی که افق حجاز و نجد با افقهای ما مخصوصاً افق ایران متفاوت است، لذا علم به مخالفت واقع پیدا نمی شود مگر به طور ندرت (امام خمینی، ۱۳۸۵، ج ۱، ص. ۵۰۲).  
ادله ای که برای اثبات صحت و قوفین در مقابل حکم حاکم مخالف می توان ارائه نمود عبارتند از:

۱. تقیه مداراتی: تقیه به جهت ایجاد مودت و جلب دوستی مخالفین، بی آنکه ترسی از ضرر و زیان آن‌ها بوده باشد (امام خمینی، ۱۴۲۰، صص ۹-۸).

### ۱-۶. سیره مستوره

از جمله ادله‌ای که شاهد بر اجزاء تقیه مداراتی در موضوعات، مانند وقوف در عرفه و مشعر در غیر زمان آن دو، است، آن است که پس از رحلت پیامبر اکرم<sup>(ص)</sup>، ائمه<sup>(ع)</sup> و پیروان آن‌ها به رعایت تقیه مبتلا بودند و در مدت ۲۰۰ سال با امرای الحجی که از سوی خلفای جور نصب شده بودند و تعیین زمان وقوف در اختیار آن‌ها بود، مراسم حج را انجام می‌دادند و بی‌گمان اختلاف در زمان وقوف بسیار اتفاق می‌افتاد، با این وصف، چیزی از آن‌ها مبنی بر جواز مخالفت و یا لزوم اعاده حج در سال‌های بعد و یا درک وقوف عرفه و مشعر به گونه مخفی همان‌گونه که برخی از شیعیان<sup>۱</sup> انجام می‌دهند، گزارش نشده است و انگیزه برای گزارش آن نیز فراوان بوده است (امام خمینی، ۱۴۲۰، ص. ۵۹؛ ۱۳۷۸، ص. ۲۱؛ خویی، ۱۴۱۸، ج ۲۹، ص. ۱۹۶).

### ۲-۶. روایات

از دیدگاه امام خمینی از جمله روایاتی که دلیل بر اجزاء در تقیه اضطراری است صحیحه فضلاست قَالُوا سَمِعْنَا أَبَا جَعْفَرٍ<sup>(ع)</sup> يَقُولُ: «ان التَّقِيَّةَ فِي كُلِّ شَيْءٍ يُضْطَرُّ إِلَيْهِ ابْنُ آدَمَ، فَقَدْ أَحَلَّهُ اللَّهُ لَهُ» که حلیت در روایت، قرینه‌ای بر تخصیص به تکلیفات نیست؛ زیرا حلیت اعم از تکلیفات و وضعیات است و در عرف، لغت، کتاب و حدیث نیز به تکلیف اختصاص ندارد تا جایی که شرب خمر اضطراری، تکتف در نماز، ترک سوره، وقوف در عرفات و مشعر قبل از وقت شرعی را جزء مصادیق این روایت «إِذَا اضْطُرَّ إِلَيْهِ ابْنُ آدَمَ أَحَلَّهُ اللَّهُ» دانسته‌اند که خداوند آن‌ها را امضا نموده است (امام خمینی، ۱۴۲۰، ص. ۴۶).

روایت دیگری که امام آن را در شمول وضعیات نسبت به صحیحه فضلا اظهر دانسته است؛ روایت سماعه از امام صادق<sup>(ع)</sup> است: «إِذَا حَلَفَ الرَّجُلُ تَقِيَّةً لَمْ يَضُرَّهُ إِذَا هُوَ أُكْرَهُ وَ اضْطُرَّ إِلَيْهِ» وَقَالَ: «لَيْسَ شَيْءٌ مِمَّا حَرَّمَ اللَّهُ إِلَّا وَقَدْ أَحَلَّهُ لِمَنْ اضْطُرَّ إِلَيْهِ»؛ زیرا عدم ضرر رسانی حلف، همان عدم ترتیب اثر و کفاره در موارد اضطرار است و عنوان اضطرار در برخی از احادیث، مقتضی اجزاء عمل تقیه‌ای است (امام خمینی، ۱۴۲۰، صص. ۴۸-۴۷).

۱. امام خمینی از تعبیر شیعیان جهال استفاده کرده‌اند.

### ۳-۶. وحدت مسلمین

هدف در تقیة مداراتی در وقوفین، ممکن است اصلاح امور مسلمین به وسیله وحدت کلمة بین آنان باشد و اینکه با عدم تفرقه و گروه بندی مسلمانان در بین سایر ملل خوار و ذلیل نشوند و تحت سلطه کفار قرار نگیرند؛ زیرا در زمان های قبل، شیعیان، گروهی ضعیف و اندک بودند و اگر تقیه نمی کردند، قطعاً در معرض زوال و نابودی قرار می گرفتند. همان گونه که در روایتی عبدالله بن ابی یعفور از امام صادق<sup>(ع)</sup> نقل می کند که ایشان فرمودند: در دین خود پرهیزکاری پیشه کنید و تقوای خویش را با تقیه بیوشانید، کسی که تقیه نکند از دین بهره ای نبرده است. مثل شما مانند زنبور عسل در میان پرندگان است. اگر پرندگان می دانستند که چه چیزی در زنبور عسل قرار دارد، چیزی از آن را باقی نمی گذاشتند، مردم هم اگر بفهمند که درون قلب شما محبت اهل بیت<sup>(ع)</sup> وجود دارد، شما را با زخم زبانشان می خورند و در ظاهر و باطن، شما را مورد آزار قرار می دهند (امام خمینی، ۱۴۲۰، صص ۷۱-۷۰).

از روایات دیگر نیز صحیح هاشم بن حکم است که از امام<sup>(ع)</sup> نقل می کند که فرمودند: «از انجام کارهایی که موجب عیب گرفتن مردم و سایر فرق اسلامی بر ما می شود پرهیز کنید، چه بدی و زشتی عمل فرزندی، موجب عیب گرفتن مردم بر پدرش می شود. شما زینت ما باشید و سبب سرزنش دیگران بر ما نشوید... بهترین و محبوب ترین عبادت در نزد خدا، عبادت به طریق پنهانی و تقیه ای است» (حر عاملی، ۱۴۰۹، ج ۱۲، ص ۸).

در روایت مذکور شیعیان ترغیب شده اند به اینکه اعمالشان، منطبق با آرای عامه انجام شود و نماز در حضور جماعت آنان به جا آورده شود که مستلزم آن است که به بعضی اجزاء و شرایط نماز عمل نشود. در انتهای روایت حضرت با فرمایش خود در پی رفع توهمی هستند که ممکن است در ذهن شیعیان متبادر شود مبنی بر عدم صحت عملی که برخلاف واقع انجام شده است. پس حضرت می گوید: این نوع عبادت از محبوب ترین عبادات است (امام خمینی، ۱۴۲۰، ص ۵۷)؛ بنابراین با انجام تقیه در وقوفین و هماهنگی با اهل سنت و تبعیت از زمان اعلام شده از امیرالحاج خللی به وقوفین وارد نمی شود و بنا بر مصالح شیعه حجتشان صحیح است.

## نتیجه‌گیری

حاصل تحلیل دیدگاه فقهای امامیه با محوریت آرای امام خمینی و دیدگاه فقهای مذاهب درزمینه خلل در وقوفین عبارت است از:

۱. از ارکان حج، وقوفین (وقوف عرفات، وقوف مشعر) است که اگر شخص آنها را عمداً ترک کند به دلیل عدم تطابق مأموریه با ماتی‌به، موجب خلل و بطلان حج می‌شود. از دیدگاه اهل سنت خلل عمدی در وقوف عرفات موجب بطلان حج می‌شود؛ ولی به دلیل رکن نبودن وقوف مشعر، اگر خللی عمداً یا سهواً وارد شد حج او صحیح است و در مواردی نیاز به پرداخت کفاره و قربانی است.

۲. به نظر می‌رسد اگر عمداً زیاده یا نقیصه‌ای در یکی از ارکان وقوفین به وجود آمد، خلل در اتیان کامل ارکان حج به وجود می‌آید.

۳. در صحت وقوف عرفات اتیان ماتی‌به مطابق با مأموریه چهار شرط لازم است:

الف) داشتن نیت خالص: با توجه به دیدگاه فقهای امامیه در وقوفین نیت خالصانه لازم است و اگر برای قصدی غیر از خداوند وقوفین را انجام دهد موجب خلل در یکی از ارکان وقوفین و در نهایت منجر به بطلان حج می‌گردد؛ ولی از دیدگاه فقهای حنفیه و شافعیه نیت شرط نیست، بلکه اهلیت عبادت شرط اتیان است.

ب) رعایت محل وقوفین: با توجه به دیدگاه فقهای امامیه و مذاهب اگر شخص عمداً محل وقوف را رعایت نکند موجب خلل در یکی دیگر از ارکان وقوفین و حج می‌شود؛ ولی اگر از روی اضطرار یا سهو باشد با توجه به آرای فقهای امامیه خلل موجب بطلان نیست؛ ولی از دیدگاه مذاهب، موجب بطلان حج می‌شود.

ج) رعایت اوقات: از دیدگاه امام خمینی مبدأ وقوف از زوال خورشید است و اگر در هر یک از وقوفین اوقات اختیاری و یا اضطراری اتیان نشود، موجب خلل در ارکان می‌شود که فروض آن بیان گردید. از دیدگاه حنابله مبدأ وقوف از طلوع فجر روز نهم تا طلوع فجر روز دهم است و دیگر مذاهب مبدأ را از زوال خورشید روز نهم تا طلوع فجر روز دهم می‌دانند.

د) رعایت کیفیت وقوفین: وقوف در عرفات صرفاً با حضور هرچند کم کفایت می‌کند و تفاوتی میان راکب، جالس، نائم و بیدار نیست؛ ولی در صورتی که شخص تمام وقت خواب یا بی‌هوش باشد موجب خلل می‌شود. برای وقوف، طهارت و وضو شرط نیست.

- مذاهب در خصوص مقدار وقوف و عدم شرط بودن طهارت با فقهای امامیه توافق دارند.
۴. در صحت وقوف مشعر نیز اتیان چهار شرط لازم است:
- الف) داشتن نیت خالص: از دیدگاه فقهای امامیه نیت در وقوف مشعر نیز شرط است؛ ولی فقهای مذاهب وقوف مشعر را رکن حج نمی‌دانند و در صورت ترک عمداً یا سهواً نیت، خللی به آن وارد نمی‌دانند.
- ب) رعایت محل وقوفین: از دیدگاه امامیه در صورت ترک عمدی وقوف اختیاری می‌بایست وقوف اضطراری را درک کند و از دیدگاه امام اگر شخص نسبت به محل علم و اطمینان داشت و پس از وقوف خطا کرد، احتیاطاً نیاز به اعاده حج دارد و حج او تبدیل به عمره می‌شود؛ ولی از دیدگاه نگارندگان چنین شخصی معذور بوده و خللی از روی عمد نبوده و با توجه به حدیث رفع آثار غیر عالمانه و خطای او ادعائاً برداشته می‌شود.
- ج) رعایت اوقات: از دیدگاه فقهای امامیه مقدار وجوب در وقوف بخشی از بین الطلوعین است و در صورت ترک عمدی و عدم درک وقوف اضطراری موجب خلل عمدی و بطلان حج می‌شود. حنفیه در زمان و مقدار وقوف با امامیه اتفاق دارند؛ ولی مذاهب دیگر در زمان وقوف در بخش‌های مختلف شب اختلاف دارند.
- د) رعایت کیفیت وقوفین: مشهور امامیه از جمله امام خمینی مبیت در شب عید را احوط می‌دانند؛ ولی از دیدگاه حنابله و مشهور شافعیه مبیت واجب است.
- ه) از دیدگاه امام خمینی تبعیت از حاکم مخالف در وقوفین واجب است و برای اثبات آن به روایات، سیره مستمره و حفظ وحدت مسلمین استدلال کرده‌اند.

## ملاحظات اخلاقی

حامی مالی: مقاله حامی مالی ندارد.

مشارکت نویسندگان: تمام نویسندگان در آماده‌سازی مقاله مشارکت داشته‌اند.

تعارض منافع: بنا بر اظهار نویسندگان در این مقاله هیچ گونه تعارض منافی وجود ندارد.

تعهد کپی‌رایت: طبق تعهد نویسندگان حق کپی‌رایت رعایت شده است.

## منابع

- ابن تيميه، تقى الدين ابوالعباس (١٤٠٩ ق). شرح العمدة فى بيان مناسك الحج و العمرة. الرياض: مكتبة الحرمين.
- ابن رشد، محمد بن احمد (١٤٢٥ ق). بداية المجتهد و نهاية المقتصد. القاهرة: دار الحديث.
- ابن عبدالبر، يوسف بن عبدالله (١٤٢١ ق). الاستذكار. بيروت: دارالكتب العلمية.
- ابن عبدالبر، يوسف بن عبدالله (١٤٠٠ ق). الكافي فى فقه أهل المدينة. الرياض: مكتبة الرياض الحديثة.
- ابن قدامة، ابو محمد موفق الدين (١٣٨٨ ق). المغنى. قاهره: مكتبة القاهرة.
- امام خمينى، سيد روح الله (١٣٧٨). الخلل فى الصلاة. تهران: مؤسسه تنظيم و نشر آثار امام خمينى.
- امام خمينى، سيد روح الله (١٣٨٢). مناسك حج (مطابق با فتاوى امام خمينى). تهران: مؤسسه تنظيم و نشر آثار امام خمينى.
- امام خمينى، سيد روح الله (١٣٨٥). تحرير الوسيله (ترجمه فارسى). تهران: مؤسسه تنظيم و نشر آثار امام خمينى.
- امام خمينى، سيد روح الله (١٣٩٢). استفتاات امام خمينى (موسوعة الإمام الخمينى ٣٦). تهران: مؤسسه تنظيم و نشر آثار امام خمينى.
- امام خمينى، سيد روح الله (١٤٢٠ ق). الرسائل العشرة. تهران: مؤسسه تنظيم و نشر آثار امام خمينى.
- امام خمينى، سيد روح الله (١٤٢٢ ق). نجاه العباد. تهران: مؤسسه تنظيم و نشر آثار امام خمينى.
- بجيرمى، سليمان بن محمد (١٣٦٩ ق). التجريد لنفع العبيد: حاشية البجيرمى على شرح المنهج. قاهره: مطبعة مصطفى البابى الحلبي.
- بهجت، محمد تقى (١٤٢٤ ق). مناسك حج و عمره. قم: انتشارات شفق.
- بهوتى، منصور بن يونس (بى تا). كشاف القناع عن متن الإقناع. بيروت: دارالكتب العلمية.
- حر عاملى، محمد بن حسن (١٤٠٩ ق)، وسائل الشيعة، قم: مؤسسة آل البيت عليهم السلام.



- خویی، سید ابوالقاسم (۱۴۱۱ ق). مناسک الحج. قم: مطبعة مهر.  
- خویی، سید ابوالقاسم (۱۴۱۸ ق). موسوعة الامام الخوئی. قم: مؤسسه احیاء آثار الامام الخوئی.

- دسوقی، محمد بن احمد (بی تا). حاشیة الدسوقی علی الشرح الكبير. بیروت: دار الفکر.  
- دهخدا، علی اکبر (۱۳۷۷). لغتنامه دهخدا. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.  
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۲ ق). مفردات ألفاظ القرآن. بیروت: دار القلم.  
- روحانی، عباسعلی و عزیزاده، نگار (۱۳۹۶). الخَلَل فی العُسل با رویکردی بر آرای امام خمینی<sup>(س)</sup>. پژوهشنامه متین، ۱۹(۷۵)، ۱۱۱-۱۲۸. [doi: 20.1001.1.24236462.1396](https://doi.org/10.1001.1.24236462.1396). 19.75.6.0

- زبیدی، محمد مرتضی (۱۴۰۸ ق). تاج العروس. الكويت: مطبعة حكومة الكويت.  
- زحیلی، وهبة بن مصطفى (بی تا). الفقه الإسلامي و أدلته. دمشق: دارالفکر.  
- زیلعی، عثمان بن علی (۱۳۱۳ ق). تبیین الحقائق شرح كنز الدقائق و حاشیة الشلبي. القاهرة: المطبعة الكبرى الأميرية.  
- سابق، سید. (۱۳۹۷ ق). فقه السنة. بیروت: دارالکتب العربی.  
- سرخسی، محمد بن احمد (۱۴۱۴ ق). الميسوط. بیروت: دار المعرفة.  
- شبیری زنجانی، سید موسی (۱۴۲۷ ق). مناسک زائر. قم: شهاب الدین.  
- شریینی، شمس الدین محمد (۱۴۱۵ ق). مغنی المحتاج إلى معرفة معانی ألفاظ المنهاج. بیروت: دارالکتب العلمیه.  
- شیخ صدوق، محمد بن علی بابویه (۱۴۱۳ ق). من لا یحضره الفقیه. قم: انتشارات اسلامی.

- صاحبی فرد، مهدی و خزائی، احمد رضا (۱۳۹۸). واکاوی فقهی تقدیم طواف حج و سعی بر وقوفین. پژوهشنامه حج و زیارت، ۴(۲)، ۲۹-۴۴.

[doi: 20.1001.1.25381768.1398.4.2.2.3](https://doi.org/10.1001.1.25381768.1398.4.2.2.3)

- صدر، سید محمد باقر (۱۴۳۴ ق). موسوعة الشهيد السيد محمد باقر الصدر. قم: دارالصدر.  
- طریحی، فخرالدین (۱۳۷۵). مجمع البحرين. تهران: مرتضوی، چاپ چهارم.  
- غزالی، أبو حامد (۱۴۱۷ ق). الوسيط فی المذهب. قاهره: دارالسلام.

- فاضل لنکرانی، محمد (۱۴۲۳ ق). مناسک حج. قم: دفتر حضرت آیت الله العظمی فاضل لنکرانی.
- فاضل هندی، محمد بن حسن (۱۴۱۶ ق). کشف اللثام و الابهام عن قواعد الاحکام. قم: نشر اسلامی.
- فکری، مسعود (۱۳۹۳). فرهنگ اصطلاحات حج و عمره. تهران: انتشارات مشعر.
- کاسانی، علاءالدین أبو بکر (۱۴۰۶ ق). بدائع الصنائع فی ترتیب الشرائع. بیروت: دارالکتب العلمیه.
- کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۲۹ ق). الکافی. قم: دارالحديث.
- مرتضوی لنگرودی، سید محمد حسن (۱۴۲۳ ق). توضیح المناسک. قم: دفتر آیت الله سید محمد حسن مرتضوی لنگرودی.
- مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۴). تفسیر نمونه. تهران: دار الکتب الاسلامیه.
- مکارم شیرازی، ناصر (۱۴۲۶ ق). مناسک جامع حج. قم: مدرسه الإمام علی بن ابی طالب<sup>(ع)</sup>.
- منتظری، حسین علی (۱۳۸۳). معارف و احکام بانوان. اصفهان: انتشارات مبارک.
- موسوی بجنوردی، سید محمد (۱۳۸۳). قواعد فقهیه<sup>(۲)</sup>. تهران: پژوهشکده امام خمینی<sup>(س)</sup> و انقلاب اسلامی.
- نراقی، احمد (۱۴۱۵ ق). مستند الشیعة فی احکام الشریعة. قم: مؤسسه آل البيت<sup>(ع)</sup>.
- نووی، ابو زکریا محیی الدین یحیی (۱۴۱۲ ق). روضة الطالبین و عمدة المفتین. بیروت: المكتب الإسلامی.

- Bahjat, M. T. (2003). *Manasik of Hajj and Umrah*. Qom: Shafagh. [In Persian]
- Bahuti, M. (n. d.). *Kashshaf al-Qina an Matn al-Iqna*. Beirut: Dar- al-Kutub al-Elmiyyah. [In Arabic]
- Bujairmi, S. (1948). *Al-Tajrid li-Naf al-Abid: Hashiyah al-Bujairmi ala Sharh al-Munhaj*. no place: Matba al-Halab. [In Arabic]
- Dekhoda, A.A. (1998). *Dekhoda Dictionary*. Tehran: University of Tehran Publications. [In Persian]

- Desuqi, M. (n.d.). *Hashiyah al-Desuqi ala-Sharh al-Kabir*. Beirut: Dra al-Fekr. [In Arabic]
- Fazil Lankarani, M. (2002). *Manasik of Hajj*. Qom: Amir Ghalam, 12th edition. [In Persian]
- Fazil Lankarani, M. (2002). *Principles of Shia Jurisprudence, Lectures of Maleki Isfahani*. Qom: Jurisprudential Center of Aemmeh-ye Athar. [In Persian]
- Fekri, M. (2014). *Dictionary of Hajj and Umrah Expressions*. Tehran: Mashar [In Persian]
- Ghazali, A.H. (1996). *Al-Wasit fi al-Mazhab*. Cairo: Dar al-Islam. [In Arabic]
- Hurr Amili. M. (1988). *Wasā'il al-Shia*. Qom: Al al-Bayt. [In Arabic]
- Ibn Abd al-Barr, Y. (2000). *Al-Istizkar*. Beirut: Dar al-Kutub al-Elmiyyah. [In Arabic]
- Ibn Abd al-Barr, Y. (1979). *Al-Kafi fi Fiqh Ahl al-Madina*. Riyadh: Maktab riydah al-Hadith [In Arabic]
- Ibn Rushd. M. (2004). *The Distinguished Jurist's Primer*. Cairo: Dar al-Hadith. [In Arabic]
- Ibn Qudamah, A. (1967). *Al-Mughni*. Cairo: Maktab Al-Ghahereh. [In Arabic]
- Ibn Taymiyyah, T. (1988). *The Rituals of Hajj and Umrah*. Riyadh: Maktal al-Haramain. [In Arabic]
- Kasani A. (1985). *Badā'i al-Sanā'i*. Beirut: Dar al-Kutub Elmiyyah. [In Arabic]
- Khomeini, S.R. (1999). *Al-Rasail al-Ashrah*. Qom: the Institute for Compilation and Publication of Imam Khomeini's Works. [In Arabic]
- Khomeini, S.R. (2001). *Nejat al-Ibad*. Tehran: the Institute for Compilation and Publication of Imam Khomeini's Works, 1st edition. [In Arabic]

- Khomeini, S.R. (2003). *Manasik al-Hajj (According to Imam Khomeini's fatwas)*. Tehran: the Institute for Compilation and Publication of Imam Khomeini's Works. [In Arabic]
- Khomeini, S.R. (2006). *Tahrir al-Wasilah*. translator, Tehran: the Institute for Compilation and Publication of Imam Khomeini's Works. [In Persian]
- Khomeini, S.R. (2013). *Flaws in prayer (Alkhalal fi Alsalat)*. Tehran: the Institute for Compilation and Publication of Imam Khomeini's Works [In Arabic]
- Khomeini, S.R. (2013). *Istiftaat*. Tehran: the Institute for Compilation and Publication of Imam Khomeini's Works. [In Arabic]
- Khoei, S. A. (1990). *Manasik al-Hajj*. Qom: Matba Mehr. [In Arabic]
- Khoei, S. A. (1997). *the Encyclopedia of Imam al-Khoei*. Qom: the Institution for Revival of Imam Khoei's Works. [In Arabic]
- Kulayni, M. (2008). *Al-Kafi*. Qom: Dar al-Hadith. [In Persian]
- Makarem Shirazi, N. (1995). *Nemoone Interpretation*, Tehran: Dar Al-Kutub Al-Islamiyyah. [In Persian]
- Makarem Shirazi, N. (2005). *Comprehensive Manasik of Hajj*. Qom: the school of Imam Ali Ibn Abi Talib. [In Persian]
- Mortazavi Langerudi, S. M. H. (2002). *Tuzih al-Manasik*. Qom: Office of Ayatollah Mortazavi Langerudi. [In Persian]
- Mousavi Bojnourdi, S. M. H. (2004). *Qawaid Faqhia*. Tehran: Research Institute of Imam Khomeini (PBUH) and the Islamic Revolution. [In Persian]
- Muntaziri Najafabadi, H. A. (2006). *The Education and Rules of Women*. Qom: Mubarak. [In Persian]
- Nawawi, A.Z. (1991). *Rawdat Al Talibin Wa Umdat Al Muftin*. Beirut: Al-Maktab Al-Islamiyyah. [In Arabic]
- Niraqi, A. (1994). *Collection of Islamic Juridical Rules*. Qom: Al al-Bayt. [In Arabic]

- Ragheb Isfahani, H. (1991). *Vocabulary words of the Qur' an*. Beirut: Dar Al-Qalam. [In Arabic]
- Rouhani, A. & Alizadeh, N. (2017). Impairments of Ablution Based on Imam Khomeini's Viewpoints. *Matin research journal*, 19(75), 111-128. [dor: 20.10 01.1.24236462.1396.19.75.6](https://doi.org/10.1.1.24236462.1396.19.75.6).
- Sabegh, S. (1976). *Jurisprudence of the Sunnah*. Beirut: Dar al-Kitab al-Arabi. [In Arabic]
- Sadr, M. B. (2013). *Musua al- Shahid al- Seyyed Mohammad Baqir al- Sadr*. Qom: Dar al-Sadr. [In Arabic]
- Sahebifard, M. & Khazaei, A.R. (2020) Jurisprudential Analysis of Priority of Performing Tawaf of Hajj and Sa'i over Wuqufin. *Ministry of Hajj research paper*, 4(2), 29-44. [dor: 20.1001.1.25381768.1398.4.2.2.3](https://doi.org/10.1001.1.25381768.1398.4.2.2.3)
- Sarakhsi, M. I. H. (1993). *Al-Mabsoot*. Beirut: Dar al-Ma'refat. [In Arabic]
- Shaykh Saduq, M. (1992). *Who is not attended by the jurist*. Qom: Islamic Publishing Institute. [In Arabic]
- Shirbini, Sh. M. (1992). *Muqni al- Mihtaj ila Marefa Ma ani Alfaz al- Minhaj*. Beirut: Dar al-Kutub Elmiyyah. [In Persian]
- Shubairi Zanjani, S.M. (2006). *Manasik of Pilgrim*. Qom: Shahab al-Din. [In Arabic]
- Turayhi, F.D. (1906). *Majma' al-Bahrayn*. Tehran: Mortazavi. [In Arabic]
- Zilai, O. (1892). *Tabin al-Haqaiq Sharh Kanz al-Daqaiq and Hashiyah al-Shalbi*. Cairo: al-Matba al-Kubra al-Amiriyyah. [In Arabic]
- Zobidi, M. (1987). *Taj al-Arus*. Kuwait: Matba Hukuma al-Kuwait. [In Arabic]
- Zuhayli, W. (n. d.). *Islamic Jurisprudence and its Proofs*. Damascus: Dar al-Fekr. [In Arabic]